



مقاله پژوهشی

واکاوی کارکردهای آیین پیاده‌روی پایان ماه

صفر به مشهدالرضا بر بنیاد دیدگاه میرچا الیاده

دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۴ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲

علی صادقی منش^۱

چکیده

هر سال تعداد قابل توجهی از شیعیان در روزهای پایانی ماه صفر به‌ویژه از سالروز درگذشت پیامبر اکرم عَلَيْهِ السَّلَام و شهادت امام حسن عَلَيْهِ السَّلَام، ۲۸ صفر تا روز شهادت امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام، سی‌ام صفر، با پای پیاده به سوی مشهدالرضا مشرف می‌شوند. این آیین که از سویی پایان بخش عزاداری‌های محرم و از دیگر سو بزرگداشت پیامبر اسلام عَلَيْهِ السَّلَام و امام حسن و امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام است، به آیینی تبدیل شده که می‌توان آن را با تکیه بر آرای میرچا الیاده، پدیدارشناس دینی، بررسی کرد. در پژوهش پیش رو به روش تحلیلی توصیفی و با اتکا به دیدگاه‌های میرچا الیاده این آیین را واکاوی می‌کنیم. این پژوهش نشان می‌دهد که این آیین، تمام ویژگی‌های یک آیین نمادین و روایت‌مند تشرف را دارد و با انسجام ویژه خود، ذهنیت شرکت‌کنندگان را برای گذار از زمان خطی به زمان قدسی فراهم می‌سازد و از سویی مقدمه‌ای نظام‌مند برای ورود به فضای قدسی حرم امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام است. در حقیقت این آیین به‌مثابه درجه‌ای برای ورود آیین‌ورزان به زمان و مکان قدسی است. افزون بر این، آیین یاد شده کارکردهایی چندگانه مثل رهایی از اضطراب، اعتلای شخصیت اجتماعی و تقویت هویت دینی آیین‌ورزان دارد.

کلیدواژه‌ها: امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام، زیارت، آیین تشرف، مشهد، میرچا الیاده.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری، ایران، سبزوار: a.sadeghimanesh@hsu.ac.ir

مقدمه

هر آیینی ساختار منسجمی دارد که از سازه‌ها و مؤلفه‌های مشخصی بهره می‌برد. واکاوی دقیق هر آیین بدون بررسی دقیق این سازه‌ها، امکان‌پذیر نیست؛ البته برای واکاوی این سازه‌ها باید از دیدگاهی نظام‌مند بهره برد. از جمله آیین‌هایی که با ساختاری منسجم، قابلیت آن را دارد که واکاوی شود، سفر زائران به مشهدالرضا با پای پیاده در روزهای پایانی ماه صفر است. هر سال در پایان ماه صفر به‌ویژه بین ۲۸ صفر تا پایان این ماه، تعداد درخور توجهی از شیعیان با هدف زیارت امام رضا (علیه السلام) با پای پیاده راهی مشهدالرضا می‌شوند. این اعمال، حسن ختامی بر عزاداری‌های محرم ایشان برای امام حسین (علیه السلام) است و از دیگر سو، شیعیان روز وفات حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) و شهادت امام حسن (علیه السلام) را پاس می‌دارند. این آیین تا سی‌ام صفر یعنی روز شهادت امام رضا (علیه السلام) که زائران پیاده به حرم رضوی می‌رسند، ادامه می‌یابد. مجموع این مختصات، شامل روز آغازین و روز پایانی، شیوه سفر (پیاده روی همراه کاروان‌های ویژه این مراسم)، مسیر مشخص و مبدأ مقدس، این سفر را به یک آیین ویژه تبدیل کرده که یادآور آیین‌های ویژه تشریف و رازآموزی است.

میرچا الیاده (۱۹۸۶-۱۹۰۷ م.) پدیدارشناس دینی رومانیایی، دیدگاه‌های شایان توجهی دارد که می‌توان بر اساس آن مؤلفه‌های آیین یاد شده را واکاوی کرد؛ پژوهشگری که به سبب بررسی همه‌جانبه ادیان و اساطیر ملل مختلف، دیدگاه‌های وی از جامعیت قابل قبولی برخوردار است و می‌تواند تکیه‌گاه پژوهش‌هایی از این دست قرار گیرد. در پژوهش پیش رو با بهره‌گیری از دیدگاه‌های وی، سفر پیاده به سوی مشهدالرضا در روزهای پایانی ماه صفر را به‌مثابه یک آیین شیعی واکاوی و پیامدها و ثمرات فردی و اجتماعی آن را برای شرکت‌کنندگان ارزیابی می‌کنیم.

۱. بیان مسئله و ضرورت پژوهش

برگزاری یک آیین مذهبی، به سبب چالش‌ها و گاه دشواری‌هایی که دارد، همواره

مخاطبان را با یک پرسش اساسی مواجه می‌کند: چه نیازی به برگزاری چنین آیینی است و چه کارکردی می‌توان برای این گونه آیین‌ها در نظر گرفت؟ حتی باورمندان به این آیین‌ها نیز گاه با این پرسش مواجه می‌شوند و تا زمانی که یک بار خود را در آن آیین شریک نکنند و از منافع روانی و اجتماعی آن برخوردار نشوند، نمی‌توانند از کنار این پرسش با آرامش بگذرند. مشکل آن است که همین افراد که یک بار آن را آزموده‌اند و منافعش را درک کرده‌اند نیز چه بسا نمی‌توانند آن احساس خوشایندی را که به ایشان دست داده با زبانی علمی توصیف کنند؛ مجموع این شرایط سبب می‌شود که همواره چالش و جدالی میان افراد باورمند به این آیین و دیگران رخ دهد. آنچه در این میان ضرورت دارد، تبیین دقیق دلایل شکل‌گیری و نیز پیامدهای این آیین است. این تبیین دقیق، بخشی از جدل‌های رایج را از میان می‌برد؛ جدلهایی که به سبب فقدان امکان ادراک حالات باورمندان ایجاد می‌شود و ارائه پاسخی علمی برای آن، شرایط را برای بهره‌مندی حداکثری جامعه از مزایای این آیین مساعد می‌کند؛ افزون بر این، ارائه چنین تحلیل‌هایی، ذهنیت جامعه را برای ادراک چنین آیین‌هایی آماده می‌کند و شرایط را برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های آشکار و نهفته این آیین‌ها فراهم می‌سازد.

۱-۱. پرسش بنیادین و فرضیه‌ها

ساختار آیین‌ها، از سازه‌ها و مؤلفه‌هایی نظام یافته که با بررسی این سازه‌ها می‌توان پیامدهایشان را ارزیابی کرد و سنجید؛ از این رو، اگر بخواهیم درباره پیاده‌روی به مشهدالرضا در روزهای پایانی ماه صفر به مثابه یک آیین ارزیابی و تحلیلی دقیق کنیم، باید به سه پرسش بنیادین پاسخ دهیم:

۱. سفر زیارتی با پای پیاده به سوی مشهدالرضا در پایان ماه صفر چه نوع آیینی است؟

۲. مؤلفه‌های برجسته و نظام‌مند این آیین چیست؟

۳. با در نظر گرفتن حالات قدسی و معنوی حاکم بر چنین مناسکی، این آیین چه

کارکردهایی دارد؟

فرضیه‌هایی که در پاسخ به این پرسش‌ها مطرح می‌شود، از این قرار است:

۱. در دسته‌بندی آیین‌ها، سفر زیارتی پیاده به سوی مشهدالرضا در پایان ماه صفر، از گونه آیین‌های تشریف‌تخصصی است.
۲. آنچه سبب می‌شود این آیین در دسته‌بندی آیین‌ها زیرمجموعه آیین‌های تشریف‌تخصصی شناخته شود، مؤلفه‌هایی مثل شیوه نمادپردازی، روایت‌مندی و شیوه نظام‌مند والایش آیین‌ورز در آن است.
۳. این آیین با در نظر گرفتن نظریات میرچا الیاده، کارکردهایی چون گذار از زمان خطی به قدسی، رهایی از اضطراب، اعتلای شخصیت اجتماعی، تقویت هویت دینی را دارد.

۱-۲. روش تحقیق

خواهیم کوشید برای اثبات فرضیه‌های پژوهش، با گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و تحلیل داده‌ها از گونه کیفی و با تکیه بر روش استدلالی استقرایی به بررسی جنبه‌های مختلف پیاده‌روی به سوی مشهدالرضا در روزهای پایانی ماه صفر بپردازیم. در واقع، این سفر زیارتی به مثابه یک آیین مذهبی ویژه ارزیابی می‌شود. تحلیل ابعاد این آیین طبق دیدگاه میرچا الیاده می‌تواند رهگشای درک شیوه‌های تأثیرگذاری آن بر شرکت‌کنندگان باشد.

۱-۳. پیشینه تحقیق

درباره آیین‌های مرتبط با امام رضا (علیه السلام) تحقیقات مختلفی صورت گرفته است. از آن جمله می‌توان به پژوهش مشترک فیاض و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «آیین‌های روایی؛ گستره‌ای از عواطف تا هنجارهای اجتماعی: بررسی ابیات و اشعار آیینی با محوریت امام رضا (علیه السلام) در ششتمد سبزوار» اشاره کرد. این مقاله به بررسی ابیات و اشعار مربوط به دو آیین چاووشی خوانی و رباعی خوانی می‌پردازد که با محوریت مضمون امام رضا (علیه السلام)

سروده شده است. شیرمحمدی و همکاران (۱۴۰۰) نیز در مقاله‌ای با عنوان «نقش زیارت حرم امام رضا (علیه السلام) در کیفیت زندگی» به بررسی ظرفیت‌های گردشگری زیارت امام رضا (علیه السلام)، برای ایجاد فرصت‌های مادی، معنوی و فرهنگی پرداخته‌اند. افزون بر این، طالب‌پور و ایازی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر زیارت مشهدالرضا (علیه السلام) بر کاهش بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان (مطالعه موردی؛ دانشجویان دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی)» بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان را در دو بازه زمانی قبل و بعد از زیارت مشهدالرضا (علیه السلام) بررسی کرده‌اند. طالبی و براق‌علی‌پور (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «گونه‌شناسی زیارت و دینداری زائران معنا کاوی کنش زیارت زائران امام رضا (علیه السلام)» پدیده زیارت امام و فهم زائران ایرانی از آن را با تکیه بر رویکرد جامعه‌شناختی، بررسی کرده‌اند. دستاورد پژوهش گروهی سقایی و همکاران (۱۳۹۲) مقاله‌ای است با عنوان «متن فضایی زیارت امام رضا (علیه السلام)» که در آن متن فضایی زیارت امام رضا (علیه السلام) در چهارچوب مدل مفهومی در تطبیق با مدل لوفور توضیح داده شده است. چنان که مشهود است درباره دیگر جوانب زیارت حرم امام رضا (علیه السلام) کارهای متنوعی انجام شده است، اما درباره سفر زیارتی پیاده به مشهد در روزهای پایانی ماه سفر کارهای پژوهشی بسیار اندک است. از جمله محدود کارهایی که نظام‌مند و درخور توجه است، می‌توان به مقاله ورشوی و همکاران (۱۳۹۷) با عنوان «تجربه پیاده‌روی مقدس: معنای دوگانه معنوی - دنیوی در تجربه سفر پیاده زائرین به مشهد در ایام شهادت امام رضا (علیه السلام)» اشاره کرد. این مقاله با بهره‌گیری از شیوه تحلیل موستاکاس اجرا شده و نیت‌های شرکت‌کنندگان، شامل وجوه مادی و معنوی را بررسی کرده است؛ براینکه این مقاله آن است که زائران به منظور بهره‌مندی از ثواب معنوی و مقدس بودن سفر پیاده رهسپار این سفر طولانی و مشقت‌بار شده‌اند و وجه معناگرایی زائران در سفر پیاده را نشان می‌دهد. چنان که از نتیجه‌گیری این مقاله مشخص است، شباهتی میان روش، مسئله و پرسش‌های بنیادین این کار با پژوهش پیش رو وجود ندارد. به جز این مقاله، اثری که به شیوه علمی و نظام‌مند به بررسی این سفر پیاده پرداخته باشد، یافت نشد. به همین روی، می‌توان گفت که پژوهش پیش رو در نوع خود تازه است.

۱-۴. مبانی نظری تحقیق

از آنجا که واکاوی موضوع پیش رو با تکیه بر دیدگاه‌های میرچا الیاده است، پیش از ورود به مبحث اصلی، ذکر کلیاتی از دیدگاه‌های میرچا الیاده ضرورت دارد. میرچا الیاده پس از بررسی تطبیقی ادیان و آیین‌های مختلف، به ساختاری منسجم از شیوه نگاه انسان به زمان و مکان در این آیین‌ها دست یافت؛ ساختاری که حاکی از یک چهارچوب ذهنی مشابه و ناخودآگاه میان انسان‌هاست و می‌توان با درک آن به تبیین برخی آیین‌های دینی پرداخت. گفتنی است گرچه این نگرش، در دوره‌های کهن‌تر نمود آشکارتری داشته، هنوز می‌توان در ژرف‌ساخت بسیاری از آیین‌های نوین، همان ساختار و شیوه نگاه به زمان و مکان را ردیابی کرد.

طبق نظرات الیاده، انسان دوره‌های کهن، زمان و مکان را به گونه‌ای ویژه درک می‌کرد و این شیوه ادراک در جلوه‌های مختلف جهان‌بینی او قابل ردیابی است؛ به باور الیاده «تجربه یا ادراک زمان نزد اقوام ابتدایی همواره با تجربه و ادراک زمان نزد انسان غربی جدید برابر نیست. [...] تجربه و ادراک زمان (دنیوی)، نزد مردم ابتدایی، همواره مدخلی پایدار بر زمان مذهبی می‌گشاید» (الیاده، ۱۳۹۴: ۳۶۵)؛ البته این شیوه نگاه به زمان و مکان، هنوز در لایه‌های ژرف ضمیرناخودآگاه جمعی او پابرجاست و یک تصویر، نماد یا روایت کهن‌الگویی می‌تواند آن را برانگیزاند.



شکل ۱- ادراک انسان از زمان و مکان در دوره‌های کهن

همان‌گونه که در شکل ۱ قابل مشاهده است زمان و مکان به دو حالت خطی و قدسی ادراک می‌شود؛ زمان و مکان خطی، همان زمان و مکانی است که در حالت معمول و نیز در روایت‌های تاریخی با آن رویارو هستیم؛ ولی زمان و مکان قدسی، همان زمان و مکانی است که آیین‌ها و روایت‌های ویژه، از جمله آیین‌ها و روایت‌های دینی امکان ادراک آن را پدید می‌آورند. در ذهن انسان دوران کهن، ورود به این زمان و مکان، به‌مثابه ورود به لحظه آغازین آفرینش است؛ لحظه‌ای ازلی که الیاده آن را «Illo tempore» می‌نامد؛ برای گذار از زمان تاریخی به زمان قدسی و یافتن یک دریچه به لحظه ازلی، نیازمند یک روایت یا آیین ویژه هستیم. در حقیقت آنکه آیینی برپا می‌دارد، در شنودن و بازآفرینی نمادین یک روایت اساطیری همراه می‌شود و به این وسیله در زمان و مکانی برتر از زمان و مکان دنیوی جای می‌گیرد؛ بشر با احیای آیین‌ها و روایت‌هایی ویژه، به لحظه نمادین آفرینش باز می‌گردد و از زمان خطی و دنیوی که ویژه ثبت رویدادها و وقایع تاریخی است، خارج می‌شود و به زمانی که کیفیتی متفاوت داشت و به اصطلاح قدسی و مینوی بود وارد می‌شود. ورود به این زمان به‌مثابه ورود به ازل یا به عبارتی همان «Illo tempore» بود که منشأ و بدایت هر آفرینش و پیدایش است (الیاده، ۱۳۹۲: ۱۰۹).

همگن نبودن زمان در جهان بینی انسان بدوی، اساس شکل‌گیری مفهومی ذهنی است که الیاده آن را «Illo tempore» یا همان لحظه ازلی نامیده است (همان، ۱۳۹۴: ۳۶۶). می‌توان گفت که در جهان بینی انسان در دوران کهن، هر آفرینش تازه، پیوندی با لحظه ازلی دارد و از این منظر، تاریخ، بسته است؛ یعنی در رویدادهای شگفت‌انگیز آغاز زمان، به پایان رسیده است (همان، ۱۳۹۵: ۱۶) و تمام آنچه اکنون رخ می‌دهد، پیامد همان رویدادهای لحظه ازلی است؛ لحظه‌ای ازلی که البته با آیین‌هایی ویژه می‌توان به آن بازگشت و دوباره آن آغازها و آفرینش‌ها و نوشدن‌ها را تکرار کرد. از منظر جوامع سنتی هر چیز مهم و معنادار، یعنی هر چیز آفرینش‌گونه و قدرتمند در آغاز زمان؛ یعنی در زمان اسطوره‌ها روی داده (همان) و تمام آنچه اکنون هست یا نیست، پیامد آن لحظه ازلی است. البته این نگاه جوامع سنتی در لایه‌های ژرف رفتارها و نگرش‌های انسان امروزی نیز قابل ردیابی است.

بر اساس این شیوه جهان بینی که در ضمیرناخود آگاه جمعی ما همچنان فعال است، برای گذار از زمان تاریخی و دنیوی به زمان قدسی، تقلید از الگوهای کهن آیینی یا گوش دادن به یک روایت ویژه، می تواند راهبر باشد. با چنین نگرشی است که در چشم انداز ذهنیت بشر امروزی، آیین های کهن و به همراه آن تمامی تجارب در پیوند با آن، از جمله تجارب مذهبی، تاریخ را فسخ و ملغی می کند (همان، ۱۳۹۴: ۴۰۱) و شرایط را برای پیوند با لحظه ازل، یعنی «Illo tempore»، فراهم می سازد. در ادامه به بررسی کارکردهای آیین پیاده روی ماه صفر به مشهد الرضا با پیش چشم داشتن این نگرش از زمان و مکان خواهیم پرداخت.

۲. بحث و بررسی

واکوی کارکردهای آیین هایی که ریشه در دوره های کهن زیست بشر دارد، بدون شناخت شیوه ادراک آنان از زمان و مکان، سودمند نخواهد بود؛ این قاعده حتی درباره آیین ها و رسوم نمادین مدرن نیز صدق می کند؛ چراکه در تمام آیین های مدرن بشر نیز می توان ژرف ساخت های ذهنی انسان بدوی را ردیابی کرد؛ ژرف ساخت هایی که به آیین پردازی هایی با نمادها و روایت هایی مشابه آیین های کهن انجامیده است. درباره سفر زیارتی پیاده به مشهد الرضا در پایان ماه صفر نیز باید با همین نگاه جنبه های مختلف این آیین را بررسی کرد.

می توان با اطمینان گفت که سفر پیاده به قصد زیارت اماکنی که در باور مردم مقدس شمرده می شود، قدمتی به گستره تاریخ انسان دارد. در وسایل الشیعه آمده است که «اتی آدم علیه السلام هذا البيت ألف آتیه علی قدمیه، منها سبع مائة حجة و ثلاث مائة عمرة» (حر عاملی، ۱۳۷۲، ج ۱۱: ۱۳۲)؛ حضرت آدم علیه السلام هزار بار با پای پیاده به زیارت خانه خدا رفت که ۷۰۰ مرتبه اش حج به شمار می آمد، ۳۰۰ مرتبه اش عمره. نسبت دادن نخستین سفرهای زیارتی پیاده به حضرت آدم علیه السلام که نخستین انسان متون دینی شمرده می شود، نشانه قدمت و کهن بودگی این آیین است؛ رسمی که به مثابه یک آیین فرامذهبی و فراملیتی،

همواره مورد توجه انسان بوده است.

بر اساس آنچه ذکر شد، سفر زیارتی پیاده به مشهدالرضا از آن آیین‌هایی است که می‌توان ژرف‌ساخت‌های همان نگاه ویژه و دو بُعدی (خطی - قدسی) به زمان و مکان را در آن ردیابی کرد. نگاهی دوبعدی که کارکردهایی ژرف برای این آیین پدید می‌آورد؛ از جمله مهم‌ترین این کارکردها، گذر از زمان خطی است؛ زمانی که به سبب پیوند ناگزیرش با روزمرگی‌ها، آکنده از اضطراب‌های شدید است و امکان اندیشه و تمرکز بر امور معنوی را از انسان بازمی‌ستاند؛ در واقع این آیین‌ها با اتکا به هنگامه‌های آیینی، نمادپردازی‌های ویژه، روایت‌پردازی، تصاویری کهن‌الگویی به ذهن شرکت‌کنندگان متبادر می‌کند که ضمیر ناخودآگاه جمعی آنان را بر می‌انگیزاند و روان انسان را آماده عبور از زمان خطی و ادراک بعدی دیگر از زمان یعنی زمان قدسی می‌کند. با پیش چشم‌داشتن این آگاهی‌ها اکنون زمان آن رسیده است که با گونه‌شناسی آیین سفر زیارتی پیاده به مشهدالرضا، با اتکا به دیدگاه میرچا الیاده، دیگر کارکردهای احتمالی آن را بررسی کنیم.

۲-۱. گونه‌شناسی آیین سفر زیارتی پیاده به مشهدالرضا در پایان ماه صفر

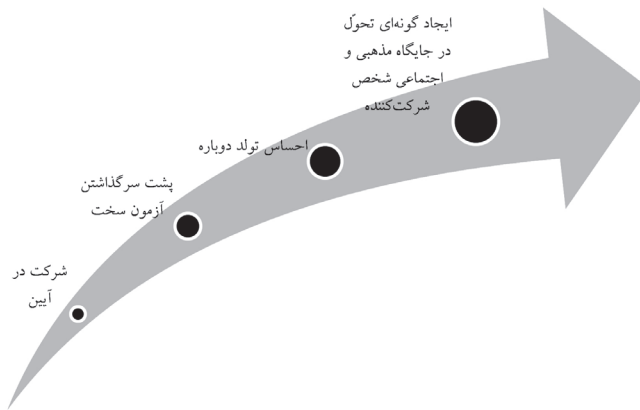
آیین مد نظر را در یک دسته‌بندی کلی می‌توان از گونه آیین‌های تشریف‌آریابی کرد، اما کدام گونه از انواع آیین‌های تشریف‌آریابی؟ به‌طور کلی دو گروه آیین‌های تشریف‌آریابی وجود دارد: نخست، آیین‌های بلوغ که از طریق آن، افراد بالغ شده به امر مقدس، به شناخت و دانش و به زندگی روابط جنسی نیل پیدا می‌کنند و خلاصه کلام آنکه از این رهگذر فرد نابالغ انسان می‌شود. دوم، تشریف‌آریابی تخصصی که برخی داوطلب‌ها به‌منظور تعالی از شرایط انسانی‌شان تن به آن می‌دهند و تحت حفاظت موجودات ماورای طبیعی قرار می‌گیرند یا هم‌سطح آن می‌شوند (الیاده، ۱۳۹۵: ۲۴۵).

از گونه نخست، می‌توان به آیین‌های بلوغ در هند اشاره کرد که در آن برخی باورهای اساطیری با آیین‌های دینی آمیخته شده و مناسکی چون اوپوئینه پدید آمده است؛ آیینی که در آن طی مناسکی ویژه تولدی دوباره برای فرد تازه بالغ شده تداعی می‌شود (همان:

۲۰۴)؛ البته «تشریف‌های بلوغ پراکنش گسترده و بی‌شماری دارند و در مورد اکثر اقوام ابتدایی از جمله استرالیایی‌ها، فوجی‌ها، کالیفرنایی، صحرائشین‌های آفریقا، قبایل هوتنتوت و غرب آفریقا به اثبات رسیده‌اند» (همان: ۲۴۶). درباره تشریف‌های تخصصی برخی آیین‌های رازآموزی و نیز زیارت‌های ویژه مد نظر الیاده است. آیین‌های رازآموزی میتراپیست‌ها شامل آزمون‌های دشوار است که در شرایط ویژه می‌گذرانند و نردبان آیینی هفت‌پله که هر پله از یک جنس بود، از این دست آیین‌های تشریف به شمار می‌آید. این گونه از آیین‌های تشریف در بسیاری از ادیان به شکل عبوری عروج‌گونه از راهی دشوار به سوی معبدی در بالای کوه مجسم می‌شود. پیچ‌راه‌های دشوار به سوی معبدی مقدس که رهرو و سالک را با مصائبی مواجه می‌سازد و ورودش به معبد را با تداعی احساس تقدس همراه می‌سازد؛ از جمله این گونه تشریف‌ها می‌توان به برخی تصاویر تشریف تخصصی در مسیحیت اشاره کرد: «قدیس یوحنا صلیبی مراحل استکمال عرفانی را همچون صعود به قله کوه کرمل نمایش می‌دهد و خود رساله‌اش را به نقش کوهی که بالا رفتن از آن طولانی و خستگی‌آور است، مصوّر می‌سازد» (همان، ۱۳۹۴: ۱۱۲). می‌توان گفت آیین سفر پیاده زائران به مشهد از گونه آیین‌های تشریف تخصصی است و در این دسته قرار می‌گیرد. فرایند این گونه از آیین تشریف به این ترتیب است:

۱. شرکت در آیین به سبب وجود برخی باورهای زمینه‌ای: این باور زمینه‌ای درباره نمونه مورد بررسی در این پژوهش، عشق و علاقه مذهبی شیعیان به زیارت امام هشتم است.
۲. پشت سر گذاشتن آزمون سخت: آزمون‌هایی دشوار که آستانه تحمل انسان را بالا می‌برد و جسم و جان انسان را در خدمت یک هدف قدسی، متحد می‌سازد. در آیین مد نظر ما، دشواری راه و پیاده رفتن، جسم شرکت‌کننده را به شدت خسته می‌کند، ولی اشتیاق رسیدن به هدف، سبب می‌شود که از راه باز نماند.
۳. گونه‌ای احساس تولد دوباره: شرکت‌کننده در آیین پیاده روی پس از غلبه بر دشواری‌ها گونه‌ای احساس نو شدن تولد دوباره دارد؛
۴. ایجاد گونه‌ای تحوّل در جایگاه مذهبی و اجتماعی شخص شرکت‌کننده: آنچه به

دشواری به دست می‌آید، در ذهن فرد ارزش و اعتبار افزون‌تری می‌یابد؛ طبیعی است که شرکت‌کننده در یک آیین مذهبی که به واسطه عبور از یک آزمون دشوار، از دیگران ممتاز شده، هویت مذهبی مستحکم‌تری می‌یابد و البته در جامعه، در نگاه باورمندان، اعتبار افزون‌تری یافته است. در کل می‌توان فرایند آیین والایش در تشریف را در نموداری به شکل ۲ ترسیم کرد:



شکل ۲- فرایند والایش فرد در یک آیین تشریف

الیاده بر این باور است که اصطلاح «تشریف» مجموعه‌ای از آیین‌ها و تعالیم شفاهی است که هدفش ایجاد تحول و دگرگونی بنیادین در جایگاه مذهبی و اجتماعی شخصی است که قرار است تشریف یابد. مبتدی یا نوآموزی که با پشت سر گذاشتن آزمون سخت آیین تشریف دوباره متولد می‌شود، از وجودی برخوردار می‌شود که با وجود پیش از تشریف او کاملاً متفاوت است (همان، ۱۳۹۵: ۱۴). این آزمون دشوار در آیین‌ها که الیاده آن را گاه پیچراه‌های خطرناک یا هزار خم (labyrinth) می‌نامد (همان: ۱۲۷)، به بهترین شکل در آیین سفر پیاده به مشهدالرضا نمود می‌یابد. این سفر زیارتی دقیقاً همان پیچراه‌های است که الیاده به آن اشاره می‌کند.

کارکردهای آیین تشریف به حدی است که بسیاری از پژوهشگران برای دستیافتن به پیامدهای خوشایند آن در دوران کنونی، در پی بازسازی و بازآفرینی این الگوها

برآمده اند (همان، ۱۳۹۵: ۲۰۴) و چه بسا به همین دلیل است که ما هنوز می‌توانیم الگوهای تشریف را «در کنار سایر ساختارهای تجربه‌های دینی، در زندگی خیال‌انگیز و رویایی انسان مدرن بباییم» (همان: ۲۴۴)؛ از جمله در بسیاری از آثار ادبی و هنری، جشن‌ها، جشنواره‌ها و حتی بازی‌های مدرن می‌توان تلاش برای بازآفرینی گونه‌ای آزمون تشریف را ردیابی کرد. این تشریف و همراهی برای اجرای یک آیین این‌چنینی زمانی که گروهی و در هنگامه باورمندان به یک اندیشه اجرا می‌شود، تأثیری دوچندان می‌یابد. این حضور در جماعت هم‌باوران، کهن‌الگوهای نهفته در ضمیر ناخودآگاه را بیشتر برمی‌انگیزاند. این شبیه همان اتفاقی است که در جنگ‌ها رخ می‌دهد. مطالعات انجام‌شده بر شرکت‌کنندگان در جنگ ویتنام نشان می‌دهد که هم‌سنگران طی یک آزمون دشوار گروهی یعنی جنگ، بخشی از کهن‌الگوهای درونی‌شان که در پیوند با جنگ‌آوری است، تقویت شده است؛ حتی آنان که روحیه جنگاوری نداشته‌اند در چنین هنگامه‌ای آن را کسب کرده‌اند (بولن، ۱۳۹۶: ۲۹)؛ این دقیقاً همان حالتی است که آزمونی دشوار چون گذر از پیچ‌راهه‌ای دشوار برای گروه باورمندان به یک آیین پدید می‌آورد؛ افراد شرکت‌کننده حتی اگر باور چندان مستحکمی نداشته باشند، این هم‌گامی با هم‌باوران برای غلبه بر دشواری با هدف رسیدن به یک جایگاه مقدس، بخشی از ضمیر ناخودآگاه جمعی آنان را بر می‌انگیزاند که در نهایت از آنان افرادی با باورهای مستحکم‌تر می‌سازد.

افزون بر موارد یاد شده، این آزمون دشوار یا به اصطلاح ییاده پیچ‌راهه خطیر، یک کارکرد ویژه دیگر نیز دارد که آن متمایز ساختن احساس ورود به مکان قدسی، حرم امام رضا (علیه‌السلام) است. در انگاره‌های کهن‌الگویی انسان، آنچه ارزشمند و خطیر است در میان یک حصار احاطه شده است؛ حصار که آن گوهر ارزشمند را از دست و نگاه انسان بیگانه و ناوارد دور می‌دارد؛ در واقع «دستیابی به رمزی که واقعیت مطلق و قداست و بی‌مرگی و جاودانگی را تمثیل می‌کند، دشوار است. این‌گونه رمزها در مرکز واقع‌اند؛ یعنی همواره از آن‌ها به خوبی پاسداری و حفاظت می‌شود و دستیافتن به آن‌ها برابر با رازآموزی و تشریف به اسرار و فراچنگ آوردن قهرمانانه یا عارفانه گوهر جاودانگی و بی‌مرگی است» (الیاده، ۱۳۹۴: ۳۵۶). برای آنکه طلب‌نشده‌گان و رازنیاموختگان نتوانند به درون این حرم و مکان

قدسی راه یابند، از آن با حصار و دیوار و آزمون‌های دشوار و از همه مهم‌تر پیچ‌راهه‌ای سخت محافظت می‌شود (همان). به همین روست که حصار، دیوار و حلقهٔ سنگ‌چین دور جایگاه‌های مقدس جزو کهن‌ترین ساختارهای معماری حرم‌ها به شمار می‌آیند که می‌شناسیم؛ این حصار و دیوار، افزون بر جداسازی فضا و مکان مقدس از غیرمقدس، انسان ناوارد را از ورود به این عرصهٔ خطیر باز می‌دارد تا هم حریم این فضا حفظ شود و هم خطر حضور فرد ناوارد در جایی که لیاقتش را ندارد، برطرف گردد. دیوار دور محوطهٔ مقدس فقط مستلزم حضور دایم تجلی قدرت یا تجلی قداست در فضای محصور و دال بر آن حضور نیست؛ بلکه علاوه بر آن هدف از کشیدن دیوار، حفظ آدم ناوارد از خطری است که تهدیدش می‌کند، وقتی که بی احتیاط پا به درون محوطه نهد. قداست همواره برای کسی که بدون آمادگی یافتن و انجام دادن اعمال تقرب که در هر مذهبی واجب است، بدان نزدیک شود، خطرناک است. خداوند به موسی می‌گوید: نزدیک میا و نعلینت را از پای بیرون کن! چون مقامی که ایستاده‌ای، زمین مقدسی است. از آنجا آیین‌ها و احکام بی‌شماری (پای برهنه و ...) راجع به دخول در معبد ناشی شده است که به‌وفور هم نزد سامیان مشاهده می‌شود و هم نزد دیگر اقوام مدیترانه. اهمیت آیینی آستانهٔ معبد یا خانه با همهٔ ارزش‌گذاری‌ها و تفاسیر گوناگونی که در طول قرون و اعصار یافته است، ایضاً این چنین تبیین می‌شود که کار ویژهٔ حدود و ثغور، بنا به تعریف ما، جدا کردن و فاصله‌انداختن (مفهوم ماسوی) است (الیاده، ۱۳۹۴: ۳۴۸).

دربارهٔ آیین سفر زیارتی پیاده به مشهدالرضا نیز چنین الگویی تداعی می‌شود. حرم امام رضا (علیه‌السلام) که فضا و مکان قدسی است افزون بر حصار حرم، با پیچ‌راهه‌هایی دشوار و طولانی احاطه شده که شرکت‌کنندگان در این آیین با گذراندن آن، افزون بر غلبه بر این آزمون دشوار، آگاهی دینی و لیاقت حضور در چنین مکان مقدسی را به دست می‌آورند. طبیعی است که حضور در فضای حرم پس از طی آن آزمون‌ها و خالص شدن در آن پیچ‌راهه‌ها حلاوتی دیگر دارد و همان تصویر کهن الگویی حضور در زمان و مکان قدسی را در آیین‌ورز زنده می‌سازد.

۲-۲. مصداق‌های دینی در تأیید قدسی بودن فضای حرم رضوی

درباره اهمیت آیین‌های تشریف به مکان‌های قدسی سخن گفتیم و این نکته را نیز به تفصیل تبیین کردیم که این آیین‌ها بر سازنده چگونه احساسی در آیین‌ورز هستند و چه کارکردی دارند؛ اما پرسش این جاست که آیا طبق اسناد مذهبی شیعیان، آیا باوری مبنی بر قدسی بودن فضای حرم رضوی وجود دارد یا خیر؟ جست‌وجو در برخی از آثار مورد اتکای شیعیان اثبات می‌کند که چنین باوری وجود دارد.

در بسیاری از این اسناد، حرم رضوی بخشی از بهشت خوانده شده که خود نشانه قدسی بودن این مکان در باور شیعیان است؛ در ادامه برخی از این نمونه‌ها را همراه منبع ذکر می‌کنیم:

الف. «حضرت امام رضا (علیه السلام) فرمود که: در خراسان بقعه‌ای هست که بر آن زمانی خواهد آمد که محل آمدن و رفتن ملائکه خواهد بود، پس پیوسته فوجی از ملائکه از آسمان فرود خواهند آمد و فوجی بالا خواهند رفت، تا در صور بدمند. پرسیدند که: یا ابن رسول الله، کدام بقعه است آن؟ فرمود که: آن در زمین طوس است و آن والله باغی است از باغ‌های بهشت؛ هر که مرا زیارت کند در آن بقعه، چنان باشد که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را زیارت کرده باشد و بنویسد حق تعالی از برای او به سبب آن زیارت، ثواب هزار حج پسندیده و هزار عمره مقبول و من و پدرانم شفیعیان او باشیم در روز قیامت» (مجلسی، ۱۳۸۶: ۵۰۶ و ۵۰۷).

ب. «محمد بن موسی بن متوکل - رضی الله عنه - به سند مذکور در متن از داود بن قاسم جعفری روایت کرده که گفت: از امام جواد (علیه السلام) شنیدم می‌فرمود: به راستی که در میان دو کوه شهر طوس، مشتی خاک بهشت است، هر کس در آن دشت وارد شود، روز رستاخیز در امان خدا خواهد بود. محمد بن علی ماجیلویه - رضی الله عنه - به سند مذکور در متن از عبد العظیم بن عبد الله حسنی روایت کرده است که امام جواد علیه السلام فرمود: من برای آن کس که مزار پدرم علیه السلام را در طوس زیارت کند در صورتی که عارف به حق او باشد ضامن بهشت می‌باشم از جانب خداوند متعال» (ابن بابویه، ۱۳۷۳، ج ۲: ۶۳۰).

ج. «از حضرت امام علی نقی - صلوات الله علیه - منقول است: هر که را به سوی خدا حاجتی باشد، پس زیارت کند قبر جدّم امام رضا (علیه السلام) را در شهر طوس و حال آنکه غسل کرده باشد و نزد سر آن حضرت دو رکعت نماز بکند و در قنوت نماز حاجت خود را بطلبد؛ پس به درستی که مستجاب می شود مگر آن که از برای گناهی یا قطع رحمی سؤال کند. به درستی که موضع قبر آن حضرت بقعه ای است از بقعه های بهشت و هیچ مؤمنی او را زیارت نمی کند، مگر حق تعالی او را از آتش جهنّم آزاد می کند و داخل بهشت می گرداند» (مجلسی، ۱۳۸۶: ۵۱۵).

گذشته از تأکید این اسناد بر قدسی بودن فضای حرم و نیز پاداش معنوی زیارت، آنچه اهمیت دارد، آیین مندی و ذکر ترتیب آدابی است که برای ورود به این مکان و خروج از آن مستحب است. این ها همه آیین هایی برای القای احساس خطیر بودن فضا و الغای زمان خطی و احساس ورود به زمان قدسی است؛ در زیر به برخی از اسناد که آداب و آیین ورود به حرم رضوی را تبیین کرده اشاره می کنیم:

الف. «استادم محمدبن حسن - رحمه الله - در کتاب جامع خود آورده است که هر گاه بخواهی مزار ابو الحسن علی بن موسی علیهما السلام را در طوس زیارت کنی، پس در وقت بیرون شدن غسل کن و در حین غسل این دعا که ترجمه اش چنین است: خداوندا! مرا از گناه و زشتی های اخلاق و عمل پاک گردان و بخوان افکار و اندیشه هایم را نیز پاکیزه گردان و به من شرح صدر عطا فرما و مدح و ثنای خویش را بر زبانم جاری ساز، زیرا هیچ قدرتی برای احدی نیست مگر به تو و از سوی تو، خداوندا این شستن را برای من پاکی از گناهان و شفای از امراض قرار ده» (ابن بابویه، ۱۳۷۳، ج ۲: ۶۶۱ و ۶۶۲).

ب) «پاکیزه ترین لباس خود را بر تن کن و با پای برهنه در هاله ای از سکینه و وقار گام بردار و زبان به تکبیر و تهلیل و تمجید بسم الله و بالله و علی مله رسول الله - تا - و اشهد أنّ علیا حق بگشا و قدمها را نزدیک بردار و چون داخل حرم شدی بگو و تا کنار مزار پیش رو و روبه روی او پشت به قبله بایست و بگو: ولی الله اشهد أنّ لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد أنّ محمدًا - تا - و احوال یوم القی» (همان: ۶۶۳).

ج. «آنگاه دست راست را بلند و دست چپ را باز بر قبر نهاده می‌گویی: **عَلَيْهِ السَّلَامُ** علیک- تا- و الألسن: سپس به پایین پا رفته و می‌گویی پس هر دو دست را بلند کرده و بر قاتلان امیر مؤمنان و قاتلان حضرت مجتبی و سید الشهداء لعن می‌کنی و همین‌طور بر تمامی دشمنان اهل بیت رسول خدا **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ**. آن‌گاه به جانب سر مبارک بازمی‌گردی و دو رکعت نماز در پشت سر آن حضرت **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ** می‌گزاری و در رکعت اول حمد را به جای آن‌ها» (همان: ۶۶۶).

د. «و چون خواستی وداع کنی می‌گویی: **السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا مَوْلَایَ وَ ابْنِ مَوْلَایَ - الی -** **إِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ**» (ابن بابویه، ۱۳۷۳، ج: ۲، ۶۶۷). «چون از حرم خارج شدی از آن حضرت روی نمی‌گردانی تا از نظرت بیرون و قبر از دیده ات پنهان شود» (همان: ۶۶۸).

ر. «و در حدیث معتبر دیگر از ائمه **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ** منقول است که: چون نزد قبر امام رضا **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ** بروی بگو:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی عَلَیِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا الْمُرْتَضَى، الْإِمَامِ التَّقِیِّ النَّقِیِّ، وَ حُجَّتِکَ عَلَی مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَ مَنْ تَحْتَ الثَّرَى، الصِّدِّیقِ الشَّهِیدِ، صَلَاةً کَثِیرَةً تَامَةً زَاکِیَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَوَاتِرَةً مُتَرَادِفَةً، کَأَفْضَلِ مَا صَلَّیْتَ عَلَی أَحَدٍ مِنْ أَوْلِیَائِکَ» (مجلسی، ۱۳۸۶: ۵۱۶).

«پس چون به سلامت بررسی به نزدیک قبر آن حضرت، غسل بکن؛ و در وقت غسل کردن بگو: **اللَّهُمَّ طَهِّرْ نِیَّی، وَ طَهِّرْ قَلْبِی، وَ اشْرَحْ لِی صَدْرِی، وَ اجْرِ عَلَی لِسَانِی مَذْحَتَکَ وَ مَحَبَّتَکَ وَ الثَّنَاءَ عَلَیْکَ، فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِکَ، وَ قَدْ عَلِمْتُ أَنَّ قُوَّةَ دِیْنِی السَّلَامُ لِأَمْرِکَ وَ الْإِتْبَاعَ لِسُنَّةِ نَبِیْکَ وَ الشَّهَادَةَ عَلَی جَمِیعِ خَلْقِکَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِی شِفَاءً وَ نُورًا، إِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ.**»

پس بیوش پاکترین جامه‌های خود را و پای برهنه روانه شو با سبکینه و وقار که به تائمی بروی و دلت به یاد خدا باشد و **اللَّهُ أَكْبَرُ** و **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** و **سُبْحَانَ اللَّهِ** و **الْحَمْدُ لِلَّهِ** بگو و گام‌های خود را کوتاه بردار؛ و چون داخل روضه مقدسه شوی بگو: **بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، وَ عَلَی مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حُدَّهُ لَا شَرِیکَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَ لِيُّ اللَّهِ.**

پس برو به نزدیک ضریح و قبله را در پشت خود بگیر و روبه روی آن حضرت بایست و بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوْلِيَيْنَ وَالْآخِرِينَ، وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ، وَسَيِّدِ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ، صَلَاةً لَا يَقْوَى عَلَى إِحْصَائِهَا غَيْرُكَ» (همان: ۵۱۷).

افزون بر این تأکیدها بر قدسی بودن فضا و نیز ذکر آداب و آیین ورود و خروج، آنچه آیین ورز باورمند را برای این سفر، گذر از پیچ‌راهه خطیر و آزمون‌های دشوار آن انگیزه می‌بخشد، برخی اسناد مذهبی است که برای این آیین‌ورزان جایگاه و پاداشی ویژه در نظر می‌گیرد:

الف. امام رضا (علیه السلام): «من با زهر شهید خواهم شد و محل دفنم در غربت خواهد بود، پس هر کس برای زیارت من سفر کند دعایش مستجاب و گناهانش آمرزیده و بخشیده خواهد شد» (همان: ۶۲۷).

ب. «حضرت رضا (علیه السلام) فرمود: هر کس مرا با دوری راه زیارت کند و از راه دور به زیارت من آید در روز قیامت در سه موقف بیاری او خواهم آمد تا او را از ناراحتی‌های آن حال نجات دهم» (همان: ۶۲۷ و ۶۲۸).

ج. «زوّار قبر من گرامی‌ترین افرادند نزد خدا در قیامت و هیچ مؤمنی نیست که مرا زیارت کند و بر غریبی من اشک ریزد و قطره‌ای از آن روی او را ترک کند، مگر آن که خداوند جسم و پیکر او را بر آتش دوزخ حرام کند» (ابن بابویه، ۱۳۷۳، ج ۲: ۵۵۲).

د. «علی بن عبد الله وراق - رضی الله عنه - به سند مذکور در متن از نعمان ابن سعد روایت کند که گفت: امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (علیه السلام) فرمودند: از فرزندان من مردی در سرزمین خراسان با زهر به قتل می‌رسد از روی ستم و ظلم، که نام او نام من است و نام پدرش نام پسر عمران، موسی (علیه السلام) است. اعلام می‌کنم آگاه باشید، هر کس او را در آن غربت زیارت کند، خداوند تعالی او را بیامرزد و از گناهان اوّلین و آخرین او درگذرد، هر چند به عدد نجوم و قطرات باران و برگ درختان باشد» (همان: ۶۳۸).

ر. «به سند معتبر از رسول خدا ﷺ منقول است که فرمود که زود باشد که پاره‌ای از تن من در زمین خراسان مدفون گردد؛ هیچ مؤمنی او را زیارت نکند، مگر آن که حق تعالی بهشت را از برای او واجب گرداند و بدنش را بر آتش جهنم حرام گرداند» (مجلسی، ۱۳۸۶: ۵۰۳).

س. پیامبر ﷺ در «حدیث معتبر دیگر فرمود که: پاره‌ای از بدن من در خراسان مدفون خواهد شد؛ هر غمناکی که او را زیارت کند، البته حق تعالی غمش را زایل گرداند و هر گناهکاری که او را زیارت کند، البته خدا گناهانش را ببامزد» (همان: ۵۰۳).

ع. «و به سند معتبر منقول است که حضرت امیرالمؤمنین - صلوات الله علیه - فرمود: زود باشد که مردی از فرزندان من به زهر کشته شود در زمین خراسان به ظلم و عدوان - که نام او نام من باشد و نام پدرش نام موسی بن عمران - هر که او را در غریبی او زیارت کند، خدا گناهان گذشته و آینده‌اش را ببامزد، هر چند مثل عدد ستاره‌ها و قطره‌های باران‌ها و برگ درختان بوده باشد» (همان: ۵۰۳).

ط. «و به سند معتبر از حضرت صادق (علیه السلام) منقول است که فرمود که: بیرون آید مردی از فرزندان پسر موسی، که نام او موافق اسم امیرالمؤمنین (علیه السلام) باشد، پس مدفون شود در زمین طوس که در خراسان است و کشته شود در آن جا به زهر، پس مدفون شود در آنجا غریب. هر که او را زیارت کند و عارف به حق او باشد و او را امام واجب الاطاعه داند، عطا کند خدا به او ثواب کسی را که زر در راه خدا خرج کرده باشد و جهاد کرده باشد پیش از فتح مکه» (همان: ۵۰۴).

ف. درباره امام صادق (علیه السلام) گفته شده است که در جایی نشسته بود «پس حضرت امام موسی (علیه السلام) داخل شد، او را بران خود نشانید و میان دو دیده‌اش را می‌بوسید؛ پس ملتفت شد به جانب آن مرد و فرمود که: ای طوسی! این طفل امام و خلیفه و حجت خدا است بعد از من و به درستی که از صلب او مردی بیرون خواهد آمد که پسندیده خدا باشد در آسمان و پسندیده بندگان باشد در زمین و او کشته خواهد شد در زمین شما به زهر از روی ظلم و تعدی و مدفون خواهد شد در آن زمین غربت. هر که او را زیارت کند در غریبی او

و داند که او امام است بعد از پدرش و اطاعت او واجب است از جانب حق تعالی، چنان باشد که رسول خدا (ﷺ) را زیارت کرده باشد» (همان: ۵۰۴).

م. امام صادق (ﷺ) «در حدیث معتبر دیگر فرمود که: در توفان نوح چهار بقعه زمین به خدا شکایت کردند: بیت المعمور و نجف و کربلا و شهر طوس» (همان: ۵۰۵).

۳-۲. مؤلفه‌های مؤثر بر گذار از زمان و مکان خطی در آیین سفر زیارتی پیاده به مشهدالرضا در پایان ماه صفر

برخی مؤلفه‌ها در آیین‌ها وجود دارد که امکان گذار از زمان و مکان غیرقدسی به قدسی را برای آیین‌ورزان تسهیل می‌کند و به مثابه سازه‌های اصلی ساختار این آیین به شمار می‌آید. این عوامل مؤثر بر گذار از زمان و مکان خطی در آیین یاد شده را می‌توان در شش مؤلفه دسته‌بندی کرد:

۱-۳-۲. نمادپردازی

نمادپردازی‌ها با ارائه تصاویری کهن‌الگویی، نقش بسیار مؤثری در برانگیختن ضمیر ناخودآگاه جمعی آیین‌ورزان دارند. به باور الیاده نمادها تصاویری جهانی و مقدم بر جلوه‌های تاریخی فرهنگی ملل مختلف هستند و این تصاویر مقدم بر فرهنگ‌ها، به فرهنگ ملل شکل می‌دهند و همواره زنده، پویا و جهانی خواهند ماند. این نمادها روزنه‌هایی به عالم فراتاریخی فراهم می‌سازند (ر.ک: الیاده ۱۳۹۱: ۱۹۷-۱۹۸). از جمله مهم‌ترین نمادپردازی‌ها در این آیین، پرچم‌هایی با شعارهای مذهبی است که برخی افراد با خود حمل می‌کنند. این پرچم‌ها افزون بر مفاهیم الهام‌بخشی که دارد، نماد حرکت کاروان امام رضا (ﷺ) است و با فسخ زمان خطی، ذهن و روان مخاطب را به دوره‌ای می‌برد که امام در چنین مسیری گام بر می‌داشت.

۲-۳-۲. فسخ زمان تقویمی با عبور از گذرگاه تاریخی امام رضا علیه السلام

گرچه مسیری که امام رضا علیه السلام از آن گذشت، تفاوت‌هایی با مسیرهای فعلی ورود به مشهد دارد، اما می‌توان با تسامح، گذرگاه امام را حدود همین گذرگاه‌ها و راه‌های فعلی زائران پیاده دانست؛ این پندار که زائر در همان راهی گام برمی‌دارد که امام و مرادش چندین قرن پیش گام بر داشته، خود موجب الغای زمان خطی و القای زمان قدسی می‌گردد. در حقیقت این آیین امکان هم‌گام و همراه شدن با امام رضا علیه السلام در زمان و فضایی قدسی را فراهم می‌کند و تأثیراتی ژرف بر آیین‌ورز می‌گذارد.

۲-۳-۳. هنگامه مذهبی (تأثیر جمعیت باورمند بر تقویت یک باور)

همان‌گونه که در بخش‌های قبلی به تفصیل تبیین شد، همراهی یک گروه هم‌باور و هم‌هدف، به تقویت باورها و فزونی احساس خوشایند عبور از زمان خطی می‌انجامد. چنین شرایطی باورمندان را بر راه و اندیشه خود استوارتر می‌کند و بر باورمندی ایشان می‌افزاید.

۲-۳-۴. روایت‌مند بودن آیین

مجموعه روایت‌هایی که از سفر امام رضا علیه السلام و همراهان ایشان موجود است، ذهن آیین‌ورز را در فضای روایتی تاریخی داستانی شناور می‌کند؛ یکی از ویژگی‌های روایت‌ها، چنان‌که پیشتر ذکر شد فراهم‌سازی شرایط گذار از زمان خطی است؛ اساساً عبور از زمان خطی در آیین‌های دینی و حتی اساطیری با ذکر یک روایت اجرایی می‌شود. داستان و روایت، تخیل کارآمد پنهان شده در زیر ابتذال زندگی روزمره را عیان می‌کند تا آیین‌ورز به یاری آن بتواند از تمام پیامدهای این‌گونه تخیل که عبارت است از احساس حضور در کنار امام و هم‌مسیری با وی و نیز ورود به زمان قدسی، بهره برد. این روایت‌های نهفته که بهتر است با ادبیاتی ویژه تبیین شود، می‌تواند جهان‌های موازی را آشکار یا بازآفرینی نماید (همان: ۲۲۳). در کل، روایت، امکان بسط

زمانی و مکانی ذهن را فراهم می‌سازد و این همان چیزی است که برای ورود به زمان و مکان قدسی نیاز است. به‌ویژه روایت‌مند بودن این آیین زمانی بیشتر بر آیین‌ورزها اثر می‌گذارد که در برخی موبک‌ها، یک نفر به نقل روایت‌های مربوط به سفر امام علیه السلام می‌پردازد.

۲-۳-۵. دشواری آزمون‌گونه سفر

به تفصیل تبیین شد آزمون‌های دشوار، جزو جدایی‌ناپذیر آیین‌های تشریف است؛ آزمون‌هایی که به اصطلاح الیاده، شامل پیچ‌راه‌های خطیر و هزار خم یا هزارتو (labyrinth) (همان: ۱۲۷) و این عنوان و توصیف از آزمون، دقیقاً با آزمون دشوار چندصد کیلومتر پیاده‌روی برای رسیدن به حرم رضوی مطابقت می‌کند. در حقیقت پررنگ‌ترین مؤلفه این آیین، دشواری آزمون‌گونه سفر با پای پیاده برای زیارت امام رضا علیه السلام است.

۲-۳-۶. تأییدات معنوی (احادیث و روایات مذهبی تأییدکننده آیین)

چنان‌که پیشتر به تفصیل تبیین شد، این‌گونه آیین، جزو آیین‌های تشریف تخصصی است که در آن آیین‌ورزان «به‌منظور تعالی از شرایط انسانی‌شان تن به آن می‌دهند و تحت حفاظت موجودات ماورای طبیعی قرار می‌گیرند یا هم‌سطح آن می‌شوند» (همان: ۲۴۵). این مؤلفه که مخصوص آیین‌های تشریف تخصصی است در آیین مورد بررسی، در کمال خود، قابل ردیابی است؛ بر اساس اسنادی که شیعیان به حقانیت آن باور دارند، از امام رضا علیه السلام نقل شده است که «در خراسان بقعه‌ای هست که بر آن زمانی خواهد آمد که محل آمدن و رفتن ملائکه خواهد بود، پس پیوسته فوجی از ملائکه از آسمان فرود خواهند آمد و فوجی بالا خواهند رفت، تا در صور بدمند» (مجلسی، ۱۳۸۶: ۵۰۶). در ادامه از ایشان نقل شده است که «هر که مرا زیارت کند در آن بقعه، چنان باشد که رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کرده باشد. و بنویسد حق تعالی از برای او به سبب آن

زیارت، ثواب هزار حج پسندیده و هزار عمره مقبول. و من و پدرانم شفیعان او باشیم در روز قیامت» (همان: ۵۰۷). همچنین دربارهٔ مشهدالرضا نقل شده است که «هر کس در آن دشت وارد شود، روز رستاخیز در امان خدا خواهد بود» (ابن بابویه، ۱۳۷۳، ج ۲: ۶۳۰). از دیگر مواردی که جزو تأییدات معنوی زیارت امام رضا علیه السلام به شمار می‌آید، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف. امام کاظم علیه السلام فرمود: «به‌درستی که زیارت کنندگان قبر فرزندم علی، درجهٔ ایشان از همه بلندتر و عطایشان از همه بیشتر خواهد بود» (مجلسی، ۱۳۸۶: ۵۰۵).

ب. «و به سند حسن منقول است که حضرت امام موسی علیه السلام روزی اشاره نمود به حضرت امام رضا علیه السلام و فرمود که: هر که این فرزندم را زیارت کند، از برای او است بهشت» (همان: ۵۰۶).

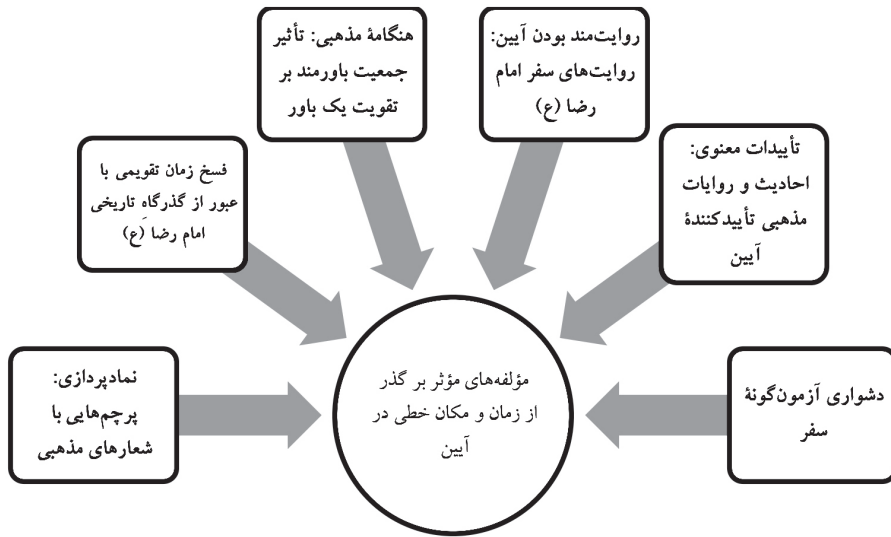
ج. «به سند معتبر دیگر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام داخل قبّه‌ای شد که در آنجا قبر هارون الرشید بود، پس به یک جانب آن قبر خطی کشید و فرمود که: این تربت من است و در اینجا مدفون خواهم شد و در این زودی حق تعالی این زمین را محل آمدن و رفتن شیعیان و دوستان من گرداند. واللّه که زیارت کننده‌ای از ایشان مرا زیارت نکند و سلام کننده‌ای از ایشان بر من سلام نکند، مگر واجب شود از برای او آمرزش خدا و رحمت خدا به شفاعت ما اهل بیت» (همان: ۵۰۹).

د. «محمد بن علی ماجیلویه - رضی اللّه عنه - بسند مذکور در متن از عبد السلام هروی روایت کرد که گفت: از امام هشتم علیه السلام شنیدم می‌فرمود: مرا به‌مظلومی و ستم با زهر می‌کشند و در کنار قبر هارون دفن می‌کنند و خداوند تربت قبر مرا زیارتگاه و محل آمد و رفت شیعیان و محبانم قرار خواهد داد. پس هر کس مرا در غربتم زیارت کند، بر من در روز قیامت زیارت او واجب می‌شود، قسم به آن کس که محمد صلی الله علیه و آله را به نبوت گرامی داشت، و او را بر تمامی خلقش برگزید، هیچ یک از شما در کنار قبر من دو رکعت نماز نگذارد جز آنکه مستحق آمرزش پروردگار عزّ و جلّ گردد در آن روز که (پاداش) او را ملاقات کند و با جزای او روبه‌رو شود» (ابن بابویه،

۱۳۷۳، ج ۲: (۵۵۲ و ۵۵۱).

۵. «به سند معتبر از امام زاده عبد العظیم - رضی اللہ عنہ - منقول است که حضرت امام محمد تقی (علیه السلام) فرمود که: زیارت نکنند پدرم را احدی پس به او برسد آزاری از باران یا سرما یا گرما، مگر حرام گرداند خدا بدن او را بر آتش جهنم» (مجلسی، ۱۳۸۶: ۵۱۱).

مجموع این مؤلفه‌ها که در نمودار زیر نیز طرح‌واره‌ای از آن به تصویر کشیده شده است، آیین پیاده‌روی پایان ماه صفر به مشهدالرضا را آیینی غنی و کارا ساخته و می‌توان انتظار داشت که افزون بر کارکردهای معمول آیین‌های تشریف‌تخصی، از پایایی و دوام درخوری برخوردار باشد.



۲-۴. کارکردشناسی آیین سفر زیارتی پیاده به مشهدالرضا در پایان ماه صفر

آنچه سبب می‌شود یک آیین در طول تاریخ، در ادیان، اعصار و ملل مختلف تکرار شود، برآورده ساختن برخی نیازهای درونی در انسان است. درباره آیین‌های

پیاده‌روی برای رسیدن به یک مکان مقدس، باید گفت که چنین آیین‌های کهنی بی‌تردید پیامدهای درخور توجهی داشته‌اند که در طول تاریخ پابرجا مانده‌اند. در حقیقت، این آیین‌های تشریف‌تخصصی، نیازهای متعددی را در انسان برآورده می‌سازند.

آیین سفر زیارتی پیاده به مشهدالرضا در پایان ماه صفر نیز به سبب سازه‌های غنی خود، تأثیراتی ژرف بر آیین‌ورز می‌گذارد و کارکردهای شایانی دارد. کارکرد اصلی این آیین، همین تأثیراتی است که بر آیین‌ورز می‌ماند و موجب اعتلای او می‌شود؛ از جمله کارکردهای این آیین می‌توان به موارد زیر اشاره کرد که البته در بخش‌های پیشین مقاله به تفصیل تبیین شد:

۱. گذار از زمان خطی - تاریخی به زمان قدسی؛

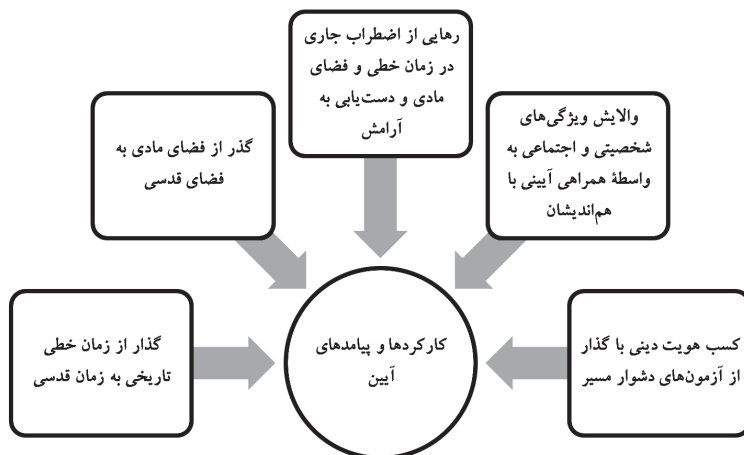
۲. گذر از فضای مادی به فضای قدسی؛

۳. رهایی از اضطراب جاری در زمان خطی و فضای مادی و دستیابی به آرامش؛

۴. والایش ویژگی‌های شخصیتی و اجتماعی به واسطه همراهی آیینی با هم‌اندیشان؛

۵. تقویت هویت دینی با گذار از آزمون‌های دشوار مسیر.

مجموع این کارکردها، شرکت‌کننده در این آیین را نه تنها برای ورود به فضای قدسی حرم آماده می‌کند بلکه به زیارت او حلاوت معنوی دوچندان می‌بخشد؛ افزون بر این، در جهانی که روزمرگی فرصت اندیشیدن ژرف به مسائل غیرمادی را از انسان می‌ستاند، چنین آیینی، برای ژرف‌اندیشی در گزاره‌های دینی و تقویت باورمندی آیین‌ورزان، فرصتی ویژه و کم‌نظیر به شمار می‌آید. کارکردهای این آیین را به شکل یک طرح‌واره مشاهده کنید.



آشکار است که در جهانی چنین پر اضطراب که بحران‌های هویتی و چالش‌های اجتماعی آن را فرا گرفته است، آیینی با این کارکردها برای شیعیان باورمند می‌تواند بسیار کارا و از نظر روانی خوشایند باشد؛ چراکه افزون بر پاداش‌های معنوی یاد شده، آیین‌ورز را در راستای رهایی از اضطراب و رویارویی با چالش‌های اجتماعی و بحران‌های هویتی یاری می‌کند و به او یک آرامش برآمده از باورهای مذهبی می‌بخشد.

۳. نتیجه‌گیری

آیین پیداروی پایان ماه صفر به مشهدالرضا، از جمله آیین‌هایی است که در میان شیعیان، علاقه‌مندان ویژه خود را دارد و اغلب افرادی که آن را تجربه می‌کنند، با عباراتی شبیه تولد دوباره، احساس بی‌نظیر نو شدن و... حضور در آن را توصیف می‌کنند. طبق توصیفات و دسته‌بندی‌های میرچا الیاده از آیین‌ها، می‌توان این آیین را ذیل آیین‌های تشریف‌تخصصی دسته‌بندی کرد. می‌توان انتظار داشت که به سبب مؤلفه‌ها و سازه‌های تأثیرگذاری که در بطن این آیین وجود دارد، به بهترین شکل شرایط را برای گذار از زمان و مکان خطی و غیر قدسی به فضا و زمان قدسی فراهم کند؛ از جمله این مؤلفه‌ها

می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. نمادپردازی؛
۲. فسخ زمان تقویمی با عبور از گذرگاه تاریخی امام رضا (علیه السلام)؛
۳. هنگامه مذهبی (تأثیر جمعیت باورمند بر تقویت یک باور)؛
۴. روایت‌مند بودن آیین؛
۵. دشواری آزمون گونه سفر؛
۶. تأییدات معنوی (احادیث و روایات مذهبی تأییدکننده آیین).

مجموع مؤلفه‌های یاد شده به مثابه سازه‌های این آیین، کارکردهایی با تأثیرات ویژه برای آیین‌ورز دارد؛ از جمله این کارکردها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. گذار از زمان خطی - تاریخی به زمان قدسی؛
 ۲. گذر از فضای مادی به فضای قدسی؛
 ۳. رهایی از اضطراب جاری در زمان خطی و فضای مادی و دستیابی به آرامش؛
 ۴. والایش ویژگی‌های شخصیتی و اجتماعی به واسطه همراهی آیینی با هم‌اندیشان؛
 ۵. تقویت هویت دینی با گذار از آزمون‌های دشوار مسیر.
- مجموع این مؤلفه‌ها و کارکردها، آیین یاد شده را به آیینی کارا و تأثیرگذار، از گونه آیین‌های تشریف تخصصی مبدل کرده است که شرایط را برای اعتلا و والایش آیین‌ورزان باورمند فراهم می‌کند.

منابع و مأخذ

- الباده، میرچا. (۱۳۹۴). رساله در تاریخ ادیان. ترجمه جلال ستاری. چاپ پنجم. تهران: سروش.
- _____ (۱۳۹۲). چشم‌اندازهای اسطوره. ترجمه جلال ستاری. چاپ سوم. تهران: توس.
- _____ (۱۳۹۶). هزارتوی آزمون‌های دشوار. ترجمه آرمان صالحی. تهران: پارسه.
- _____ (۱۳۹۵). آیین‌ها و نمادهای تشریف. ترجمه محمدکاظم مهاجری. تهران: پارسه.
- بولن، شینودا. (۱۳۹۶). نمادهای اسطوره‌ای روان‌شناسی مردان. ترجمه مینو پرنیانی و پرتو پارسی. چاپ ششم. تهران: آشیان.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۳۷۲). وسایل الشیعه إلی تحصیل مسائل الشریعة. جلد ۱۱. قم: مؤسسه آل‌البتین (عجله إلیه) لإحياء التراث.
- سقایی، مهدی؛ نودهی، فرامرز؛ جوانبخت قهفرخی، زهره؛ طباطبایی، سید محمدباقر. (۱۳۹۲). «متن فضایی زیارت امام رضا (عجله إلیه)». مجله مطالعات اجتماعی ایران. شماره ۶ (۳-۴). صص: ۸۷-۱۰۸.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۳). عیون اخبار الرضا (عجله إلیه). ۲ جلد. ترجمه حمیدرضا مستفید. تهران: صدوق.
- شیرمحمدی، یزدان؛ بهمنی، اکبر؛ مستان‌راد، مژگان. (۱۴۰۰). «نقش زیارت حرم امام رضا (عجله إلیه) در کیفیت زندگی». فصلنامه فرهنگ رضوی. شماره ۹ (۳۵). صص: ۹۱-۱۲۲.
- طالب‌پور، اکبر؛ ایازی، سیدعلی نقی. (۱۳۹۷). «تأثیر زیارت مشهدالرضا (عجله إلیه) بر کاهش بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی)». فصلنامه فرهنگ رضوی. شماره ۶ (۲۳). صص: ۴۳-۷۲.
- طالبی، ابوتراب؛ براق‌علی‌پور، الهه. (۱۳۹۴). «گونه‌شناسی زیارت و دینداری زائران معنا کاوی کنش زیارت زائران امام رضا (عجله إلیه)». فصلنامه علوم اجتماعی. شماره ۲۲ (۶۹). صص: ۷۵-۱۰۶.
- فیاض، ابراهیم؛ غربی، موسی الرضا؛ رازقی، رمضانعلی. (۱۳۹۸). «آیین‌های روایی؛ گستره‌ای از عواطف تانه‌جاری‌های اجتماعی: بررسی ابیات و اشعار آیینی با محوریت امام رضا (عجله إلیه) در ششتمد سبزوار». فصلنامه فرهنگ رضوی. شماره ۷ (۲۵). صص: ۵۹-۹۱.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۸۶). تحفة الزائر. قم: مؤسسه پیام امام هادی (عجله إلیه).
- ورشوی، سمیه؛ بهروان، حسین؛ اورعی، صدیق. (۱۳۹۷). «تجربه پیاده‌روی مقدس؛ معنای دوگانه معنوی-دنیوی در تجربه سفر پیاده‌زائرین به مشهد در ایام شهادت امام رضا (عجله إلیه)». راهبرد فرهنگ. شماره ۴ (چهل و یکم). صص: ۱۳۳-۱۶۲.